



میراث

کشف ۲ گور باستانی دیگر در زیرگذر شوش

دیگر سرو صدایی از موافقان و مخالفان احداث زیرگذر شوش به گوش نمی‌رسد، اما هرچه بیشتر پیش می‌رویم و هرچه کاوش باستان شناسان عمیق‌تر می‌شود، شگفتی کشفیات این منطقه که تا همین يك ماه پیش ماشین‌های راه‌داری به جانش افتاده بود، بیشتر می‌شود.

خلاصه کلام این‌که شوش چند سال پیش به ثبت جهانی رسید و براساس قوانین یونسکو در منطقه ثبت شده، نباید هیچ تغییری صورت بگیرد، اما مسؤولان شهری شوش از سال گذشته به جان پل روگذر این شهر افتاده و ابتدا پل را تخریب کردند و سپس شروع به کندن زمین کردند تا به جایش زیرگذری احداث کنند. این عملیات با واکنش‌های معترضانه میراثی سال گذشته متوقف و بیش از يك ماه پیش دوباره از سرگرفته شد و به دنبالش دوباره شروع موحی از اعتراض‌ها و واکنش‌ها و ورود جدی سازمان میراث فرهنگی برای توقف طرح عمرانی. گرچه اصرار مسؤولان شوش و خوزستان برای احداث زیرگذر، همه طرف‌ها را پای میز مذاکره کشانده و بنا شد باستان شناسان میراث فرهنگی محل اجرای طرح را کاوش کنند تا اگر به آثار تاریخی و تمدنی قابل ملاحظه‌ای رسیدند، کلا طرح احداث زیرگذر متوقف شود. حالا از روزی که عملیات کاوش آغاز شده، هرروز چیزی از دل خاک بیرون می‌آید. ابتدا بحث پیدا شدن کاسه و کوزه و سکه بود و بعد هم پیدا شدن یکی دو گور قدیمی. اخبار روزهای گذشته هم جاکي از پیدا شدن دو گور باستانی دیگر به همراه اسکلت و اشیای تدفین شده در منطقه است که با کشفیات جدید تعداد گورهای کشف شده در منطقه به چهار گور رسیده که احتمال گورستان بودن چهارراه شهر شوش و پیدا شدن آثاری از دوره الیامیان را تقویت می‌کند.



سینه‌های امید

سینه‌های امید با هنرمندان واکآفرینان صنایع دستی

تا پیش از آن‌که خراطی را به عنوان رشته تخصصی‌اش در دانشگاه انتخاب کند، سروکاری با چوب و چوب‌تراشی نداشته است. هرچند با هنر بیگانه نبوده و دستی به ساز داشته، اما آغاز داستانش با چوب و لایه‌های رنگی آن، بازمی‌گردد به دوران دانشجویی و انتخاب موضوع پایان‌نامه کارشناسی. آن‌طور که خودش به یاد می‌آورد، آنچه در آغاز او را به این سمت و سو هدایت کرد، علاقه‌مندی‌اش به نقوش و طرح‌های هنر ایرانی و ایده پیاده کردن آنها بر چوب بود. « اشتیاقم برای یافتن تکنیک و روشی که بتوانم از طریق آن ایده‌ام را اجرایی کنم، من را بر آن داشت تا موضوع پایان‌نامه‌ام را بر این اساس انتخاب کنم.» این هنرمند جوان در نتیجه جست‌وجوهایش در تکنیک‌های کار با چوب، بالاخره روش مد نظر خود را می‌یابد؛ روشی که در آمریکا متداول است. از این رو او، پایان‌نامه‌اش را به این تکنیک اختصاص می‌دهد و برای اولین بار، اصطلاح لایه‌چینی را به ادبیات هنرهای کار با چوب در کشور وارد می‌کند. «کارهای تولید شده توسط خراطان، یک رنگ هستند اما این تکنیک به هنرمند فرصت می‌دهد تا از رنگ‌های طبیعی چوب استفاده و نقوش رنگی ایجادکند.»

حسن رحمانی، چون عاشقی که به دیدار

افتتاح صدها پروژه میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری

دهه فجر رو به پایان است اما دستاوردهای آن تازه قرار است کام مردم را شیرین کند؛ دستاوردهایی در حوزه گردشگری، میراث فرهنگی و صنایع‌دستی؛ شامل ۵۲۷ پروژه که در ۳۱ استان کشور و در آخرین روزهای هفته گذشته به بهره‌برداری رسید. با افتتاح این پروژه‌ها ۱۳۹۳ اتاق و ۳۶۴۱ تخت به ظرفیت اقامتی کشور اضافه می‌شود، همچنین زمینه اشتغال ۲۸۶۰ نفر با بهره‌برداری از این پروژه‌ها فراهم خواهد شد. / جام‌جم

تنگ‌دستی هم‌نتوانسته مانع پیشرفت هنرمند جوان شود

حسن رحمانی حالا نشان درجه یک هنر گرفته است

هنر برتر از گوهر آمد پدید

نه به شهرت فکر می‌کند، نه پول و ثروت و نه به زندگی آنچنانی. تمام دلخوشی‌اش زدن نقوش رنگارنگ بر چوب است و آزمودن تکنیک‌های تازه و تمام آن چیزی که از زندگی می‌خواهد غرق شدن در کار و آفرینش‌های هنری است؛ بی‌آن‌که توجه چندانی به بازار فروش و عرضه تولیداتش داشته باشد یا به کسب عنوان و مقام فکر کند. حسن رحمانی، در رشته صنایع‌دستی تحصیل کرده و با وجود این‌که فقط ۳۳ سال دارد، موفق به دریافت نشان درجه یک هنری شده است؛ نشانی که به صورت معمول به پیشگستوتان هنرمند اهدا می‌شود و معادل درجه دکتری است.

معشوق رسیده، تمام آنچه را از این هنر می‌خواست، در این روش جدید می‌یابد و از آن پس، اغلب ساعت‌های روز و شب را در کارگاهی که برای خود دست و پا می‌کند، می‌گذراند.

دایر کردن کارگاهی با هزینه اندک

این هنرمند ۳۳ ساله، بی‌آن‌که سرمایه یا پول کافی داشته باشد، با اندک دارایی خود کارگاهی برای خود روبه‌راه می‌کند و با وجود دشواری‌ها و گرفتاری‌های مالی بسیار، مشتاقانه در این راه قدم برمی‌دارد. «روزهایی بود که من حتی پول کافی برای تهیه وعده‌های غذایی‌ام نداشتم و از آنجا که تمام پولم را به این کار اختصاص داده بودم، مجبور می‌شدم شب‌ها را هم در همان کارگاه به صبح برسانم»

تا این‌که با بهره‌گیری از نکاتی که از این تکنیک آموخته بود، به روش خود در زدن نقش‌های رنگی بر چوب نزدیک شد و اولین تولیدات خود را که ظروفی چوبی با نقوش ایرانی بود، خلق کرد. پس از آن کارهایش را در نمایشگاه‌های مختلف صنایع‌دستی به نمایش درآورد که البته با استقبال نیز مواجه شد.

تلاشی که به ثمر نشست

اما نقطه عطف موفقیت هنری حسن، دریافت نشان اصالت یونسکو بود. «از طریق یک

اقامتگاه‌های بومگردی دارای ضوابط می‌شود

از این پس اقامتگاه‌های بومگردی هم درجه‌بندی می‌شود؛ با توجه به کیفیت این واحدها و نظارت بر خدمات ارائه‌شده.

معاون گردشگری سازمان میراث فرهنگی این خبر را رسانه‌ای و تاکید کرده: آموزش و ظرفیت‌سازی در بخش نیروی انسانی فعال در حوزه اقامتگاه‌های بومگردی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و بدون تردید جامعه حرفه‌ای اقامتگاه‌های بومگردی باید در برنامه‌های سازمان در این حوزه مشارکت فعال داشته باشد. / میراث‌آریا



این همه همیشه سایه سنگین تامین معاش بر سرم سنگینی کرده و بخشی از حواس و انرژی مرا که می‌توانستم به خلاقیت‌های هنری اختصاص دهم از من گرفته است.» هنرا و را در خارج از کشور و در سایت‌های هنری هم می‌شناسند و یک بار هم در نمایشگاهی در سنول، هنرش را به نمایش گذاشته، با این همه تاکنون در زمینه صادرات محصولاتش اقدامی نکرده است. در ادامه از او درخصوص راه‌اندازی یک کارگاه تولیدی و ایجاد اشتغال برای هنرجویانش پرسیدیم. « از آنجا که وضعیت بازار ایران قابل پیش بینی نیست و من هم سرمایه چندان نمی‌دارم، تاکنون در این زمینه اقدامی جدی انجام نداده‌ام؛ هرچند همواره به آن فکر کرده‌ام. در واقع متغیر بودن قیمت مواد اولیه و هزینه‌های تولید کار و نیز کاهش قدرت خرید مردم، ریسک این کار را افزایش داده است. در همین حال اما به بازارهای خارجی که از ثبات بیشتری برخوردارند فکر می‌کنم.»

رحمانی جز شاگردانش در دانشگاه، کارآموزان زیادی هم دارد که از نقاط مختلف کشور برای یادگیری تکنیک او به کارگاهش آمده و نزد او کسب مهارت می‌کنند.

پایان روزهای تنگ‌دستی

این هنرمند جوان که علاوه بر دو نشان مذکور، دو بار هم هنرمند برتر کشور شده و مقام اول را هم در نگاره‌های چوبی به دست آورده تا همین چند سال پیش هیچ درآمدی از این راه به دست نمی‌آورد، اما حالا از این طریق امرار معاش می‌کند و از شرکت‌ها و سازمان‌های مختلف سفارش کار می‌گیرد. همچنین از طریق عرضه طرح‌هایش در فضای مجازی، سفارشات را نیز به صورت شخصی دریافت می‌کند. «آنچه برای من در درجه نخست اهمیت قرار دارد، لذت بردن از این کار است. من هیچ‌گاه هدف مشخص و خاصی را در این کار دنبال نکرده‌ام و صرف پرداختن به این هنر و ساختن و خلق چیزهای بدیع و نو برایم ارزشمند بوده است. با

طراح:بیژن گورانی

جدول شماره ۵۳۲۰

جدول عادی

افقی: ۱) شایعه - خلاصه مطلب -

پیروی کردن (۲) سمیع - چاله بزرگ رستگار (۳) خویشاوندان - هزار کیلو- کلفت و ضخیم (۴) شهر بندری چین - باغ دیدنی شیراز- تردید (۵) از وزارتخانه‌ها- عاقل به ظاهر دیوانه معاصر هارون الرشید - خواهر (۶) خط تلفن - بچه کنجکاو و پرتحرک - دعای زیرلب (۷) چهارم - رادار - برج دیدنی فرانسه (۸) پایتخت غنا - در حال گریستن - پارسی دیرنشین (۹) پرهیزگاری - فرزند نتیجه - زمین آذری (۱۰) عقیده - پایان و آخر - طلق نسوز (۱۱) محل سکونت موقت در کنار دریا- خطاب مردان ترکیه - پندار (۱۲) من و شما- آسانی - از خواهران برونته (۱۳) پایتخت لهستان- حرف انتخاب- حمیر (۱۴) تازه- گودی- سبک ادبی باهنری (۱۵) سزاوار - خانم کارگاه داستان‌های آگاه‌تاریستی- فرمان اتومبیل.

عمودی: ۱) مزه کردن - با ارزش- کوتاه و مختصر (۲) درخت زبان گنجشک- شبکه سیمای لرستان - زرنگ و حقه باز (۳) پایتخت مالت - عنکبوت پشمالو - سرازیری (۴) مهم‌ترین عامل دیابت - زین و برگ اسب - استراحت کردن (۵) محل تقاطع دو دیوار- کلمه (۶) بی‌همتا - واحد نظامی- خاص (۷) رتبه نایب‌قهرمان - طولانی‌ترین رود فرانسه- اتفاق بزرگ برگزاری مهمانی (۸) ضربه سرد فوتبال- مستند گزارشی و آموزشی از سیمینا‌ها و همایش‌های علمی در شبکه آموزش سیمیا- دهان (۹) نمایشنامه شکسپیر- ماه

هشتم - عمارت (۱۰) شاداب و سرحال

- جنایتکار- سخت و مشکل (۱۱) شکه‌گر- چوپان (۱۲) پیوندهای نسبی- شوکت- ماده‌آرایی مژه‌ها (۱۳) واحد پول تایلند- بافنده - طوفان دریایی (۱۴) شهرستانی در آذربایجان شرقی- سرو صدا - نشانه صفت تفضیلی (۱۵) ستون - معشوق- عهده‌دار

جدول ویژه

افقی: ۱) مشعل جوشکاری - سوره

حل جدول عادی شماره ۵۳۱۹

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۱	ش	ا	خ	س	ی	م	و	ج	د	ت	ف	ق	ص	د	
۲	د	و	ج	و	و	ج	و	ش	و	ر	د	ن			
۳	ت	ل	ف	ل	م	ل	م	و	ا	د	و	ت	ا	د	
۴	ن	ب	ا	ت	ا	ن	ک	ا	ی	ن	ت	ر			
۵	ی	ک	ا	م	ا	م	ی	ا	س	م	ر	ی	د	و	
۶	ب	ت	و	ل	ر	ت	و	خ	ی	ل	و	ا	ر		
۷	ا	ن	ی	ن	ی	ا	ز	ب	ل	ن	ک	ط	ر		
۸	ل	ی	م	ی	و	ب	م	ر	ج	ل	ی	د			
۹	خ	ی	و	ن	و	ن	م	ق	م	ر	ب	ر			
۱۰	ا	ر	و	ا	ج	ر	ی	ا	ل	ت	ه	ف			
۱۱	ش	و	ر	ش	ک	ت	ا	ب	ا	ی	ا	ر			
۱۲	ش	ا	ر	ت	ر	ف	ر	ی	ب	ا	ی				
۱۳	م	ل	ا	م	و	ک	ا	ر	ک	ش	ت	ه			
۱۴	د	و	ی	ف	ر	ن	و	د	و	ه	ش	ت	ا	و	
۱۵	ت	ک	ی	ا	د	ا	ل	ا	و	و	ب	ب	ی		

حل جدول ویژه شماره ۵۳۱۹

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۱	م	و	ب	ی	و	پ	ا	ی	و	ا	م	و	ا	م	
۲	ل	و	ی	م	و	ت	ب	ا	و	ی	و	ا	ر	م	
۳	ا	ل	خ	ا	ل	ک	ر	ا	ب	ا	س	ی	ا	م	
۴	ی	س	ق	ف	د	ا	ن	ا	ت	ق	ا	ی	ا	م	
۵	و	ر	ق	ا	ی	ک	ت	ه	و	ا	ا	د	ی		
۶	ج	ل	ا	د	ل	ی	ظ	ر	د	ل	ب	ا	ز		
۷	ا	ن	ی	ا	ز	ب	ل	ن	ک	ط	ر				
۸	ن	ک	ی	ا	ج	م	ک	ل	ی	د					
۹	م	و	ا	د	ی	ا	ل	ا	ا	ز	ا	ر			
۱۰	ا	ل	ب	ت	ه	ض	ر	ب	ت	ا	ز	ا			
۱۱	ز	و	ل	ا	ی	م	و	ی	د	م	و	ه			
۱۲	م	ی	س	ق	ل	م	د	ر	ز	ی	ا	ی	م		
۱۳	م	ی	ا	د	ا	ش	ا	ش	ا	و	ن	ی	ا		
۱۴	چ	و	ب	م	و	د	ه	ز	د	ن	ف				
۱۵	ی	م	ی	ش	ی	ر	ف	م	و	ک	ف	ا	ن		

عباس غفاری با وجود معلولیت توانسته در کارگاه قالی بافی اش برای ۱۸ نفر اشتغال ایجاد کند

برای رفوگری به اروپا دعوت می‌شوم



۵۷ سال سن دارد و

همه زندگی کاری و دار و ندارش خلاصه می‌شود در يك فضای ۳۰ متری؛ يك دنیای کوچک رنگارنگ که

در آن هم هنر جان می‌گیرد و بالنده می‌شود و هم هنرآموزان و هنرجویان مشق عشق می‌کنند؛ مشق هنر؛ مشق زیبایی روح و نقش زدن به عالم هستی. فعل نتوانستن اینجا معنا ندارد؛ این را عباس غفاری سال‌هاست بر دَره‌ای قالی‌اش نقش می‌زند؛ با همان روحیه‌ای که از دویای بی‌جان و ناتوانش می‌گیرد و معلولیتی که رمقی برای جسم تکیده‌اش باقی نگذاشته، اما هر سال که گذشته، انگیزه‌اش را برای کار و زندگی کردن و زندگی بخشدن بیشتر کرده است.

اهل تهران است و حجره‌اش، شرق پایتخت در محله پیروز؛ حجره‌ای که دورتادورش تا سقف پر شده از قالی‌ها و گلیم‌های رنگارنگ تاشده و رشته نخ‌های آویزان. کارش رفوگری است و قالی و گلیم بافی. ۲۲ سال از زندگی مشترکم می‌گذرد و فرزندش ندارم، اما زندگی باهم شیرین است و دوست داشتنی، وقتی غرق در رنگ می‌شوی و رضایت و لبخند مشتری و هنرجویانی که با آموزه‌های تودار قالی برپا می‌کنند و می‌شوند نان‌آور خانواده.»

دنیا از همان آغاز بدقتی کرد

بیش از ۵۰ سال پیش، وقتی پنج سال بیشتر نداشته بود، در شبی سرد، داغ تبی سنگین بر

برخورد با معلولان

تولید خوب می‌شود، اگر بی‌ذوقی نشود اگر سنگ نیندازند. بعضی تجار سر کالای دیگران می‌زنند و می‌گویند جنس شما نمی‌تواند در بازار رقابت کند. وقتی بافنده این را می‌شنود پشت دستش را داغ می‌کند که دیگر نزدیک فرش و فرش‌بافی نشود. برای امثال من که معلول هستیم شرایط بسیار سخت‌تر است. من هنوز رفوگری هم می‌کنم چه اینجا در مغازه‌ام چه هرجا که مشتری بگوید. حتی برای ترمیم و رفو به اروپا هم می‌روم. چند وقت پیش که به آلمان رفتم طوری با من معلول برخورد کردند که احساس بزرگی، غرور و افتخار کردم. اصلا مثل يك دیپلمات و شاهزاده با آدم معلول رفتار می‌کنند؛ برخلاف کشورمان که کسی برای ارتباط با معلولان هیچ آموزشی ندیده و هیچ بستری برای آسایش و راحتی ما فراهم نشده است.